

رابطه مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی توسعه محور شهروندان

وحید صالحی^۱

چکیده

مسئولیت‌پذیری شهروندان یکی از مهم‌ترین ابزارهای تسلط بر مدیریت افکار عمومی تبدیل شده است. مسئولیت‌پذیری شهروندان از یک سوبه عنوان ابزار تسلط بر افکار عمومی و از سوی دیگر در نهادینه و فراگیر شدن سبک زندگی توسعه محور نقش تعیین کننده ای دارد. هدف پژوهش نیز تعیین میزان و مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی توسعه محور شهروندان و ارائه راهکار تقویت آن است. روش تحقیق برحسب هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی است. سؤال اصلی تحقیق این است که مسئولیت‌پذیری چه تأثیری در ایجاد سبک زندگی توسعه محور دارد و چگونه می‌توان آن را شناخت؟ در این زمینه سه سؤال فرعی و سه فرضیه متناسب آن تبیین کرده و بدان پاسخ داده است. برای استخراج یافته‌های دقیق و راهگشا از روش پرسشنامه در سطح شهروندان تهرانی استفاده شده و داده‌ها مورد تجزیه و تحلیل کمی و کیفی قرار گرفته است. در نتیجه اکثریت قاطع پاسخ دهندگان بر تأثیر اساسی مسئولیت‌پذیری شهروندان در شکل‌گیری سبک زندگی توسعه محور تأکید دارند

واژگان کلیدی: شهروندان، مسئولیت‌پذیری، سبک زندگی، توسعه محوری

۱. دانش آموخته دکتری جامعه‌شناسی اقتصاد و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

مقدمه و بیان مسئله

رشد و توسعه اهداف دائمی جوامع مختلف است. اما، یک سؤال وجود دارد: چگونه می‌توانیم به توسعه دسترسی پیدا کنیم؟ در دهه‌های اخیر، توسعه اقتصادی پایدار در بیشتر جوامع علمی بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. علوم اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و همچنین علوم زیستی بیشتر بر توسعه پایدار و عوامل مؤثر آن تمرکز دارند (بوسل، ۱۹۹۹: ۳۲). متداول‌ترین تعریف از توسعه پایدار این است: «توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای امروز را برآورده کند، بدون اینکه توانایی نسل‌های آینده در تأمین نیازهای خود را به خطر بیندازد.» (کمسیون جهانی توسعه و محیط، ۱۹۸۷).

مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری؛ مؤلفه دیگری است که می‌تواند شهروندان را به سمت التزام به سبک زندگی سوق دهد. وظایف و مسئولیت شهروندان علاوه بر دانش و آگاهی صرف و یا مراقبت‌ها و الزامات قانونی می‌بایست توأم با احساس مسئولیت عقلی و قلبی و پایبندی عملی آن‌ها باشد تا بیش از هر زمانی منشأ تأثیر باشد. باید بسیاری از اعمال و رفتارهایی را که در نهایت به نفع شهروندان و گروه‌های شهروندی و در نهایت به نفع جامعه می‌شود از روی میل و رغبت و علاقه درونی انجام دهد. در این میان آنچه شهروندان را به انجام چنین کارهایی تشویق می‌کند اعتماد اجتماعی نقطه عطف فرآیندی است که طی آن، فرد نسبت به محیط، پیرامون خود احساس تعهد، مسئولیت و هویت مشترک پیدا می‌کند به طوری که موجب احساس مثبت نسبت به محیط مورد نظر شود؛ و بر اساس آن، فرد تمام توان، نیرو و دارایی‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی خود را داوطلبانه جهت اثبات تعهد و مسئولیت به کار می‌گیرد. مسئولیت؛ یک ویژگی شخصیتی است که معمولاً به صورت یک نگرش در ساختار روانی و رفتاری فرد شکل می‌گیرد و یک تغییر عمده و اساسی در رفتارهای اجتماعی محسوب می‌شود. لذا در سبک زندگی شهروندی جایگاه جالب توجهی دارد. مسئولیت‌پذیری می‌تواند وسیله و ابزار مؤثری برای حفظ انسجام اجتماعی در عین احترام به تفاوت‌های موجود و فهم آن‌ها باشد. افراد مسئولیت‌پذیر افرادی با وجدان اخلاقی می‌باشند که به طور خودجوش و درون‌زا تمام تلاش خود را به عمل می‌آورند تا از حداکثر توانایی خود برای انجام مطلوب کارها و وظایف محوله استفاده نمایند.

در فرهنگ جامعه‌ی ایرانی به تأثیر مسئولیت‌پذیری در سرنوشت خود و دیگران بسیار تأکید شده است، در مقابل گریز از ایفای مسئولیت و فردگرایی، تنهایی و دوری جستن از اجتماع منع شده است. مسئولیت‌پذیری در ابعاد فردی و اجتماعی، واقعیتی است که می‌تواند ابزار و وسیله خوبی برای رسیدن به سبک زندگی باشد، پس موضوع بعدی سبک زندگی است که با ورود تکنولوژی و ارتباط جوامع با یکدیگر و مراودات این جوامع، سبک و سیاق زندگی افراد تغییر چشمگیری داشته است و توانسته ابعاد مختلفی از زندگی انسان را تحت تأثیر قرار دهد.

مسئله اصلی این است که فرهنگ اسلامی شهروندان ایرانی، مسئولیت‌پذیری آنان در قبال دیگران و پیشینه تاریخی همزیستی مسالمت‌آمیز و تعاون و همیاری ایرانیان زبانزد خاص و عام بوده است. شهروندان ایرانی در طول تاریخ همواره دارای سبک زندگی بومی و سطح بالایی از پیشرفت و قانون‌مداری و زیست اجتماعی مطلوب بوده است، با این وجود اکنون چالش‌هایی در توسعه‌یافتگی سبک زندگی آنان و کاهش میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان ایرانی در توسعه‌یافتگی و سبک زندگی توسعه محور است؛ یعنی مسئولیت‌پذیری چندان تبدیل به سبک زندگی توسعه محور نشده است. این باید بررسی شود که مسئولیت‌پذیری شهروندان تا چه میزان در ایجاد سبک زندگی توسعه محور و پیشرفت همه‌جانبه تأثیرگذار بوده است؟

این ضرورتی که نویسنده را به نگارش مقاله ترغیب نموده این است که در مقطع کنونی مباحث شهروندی در قوای سه‌گانه و دستگاه‌های حاکمیتی بیش از پیش مطرح گردیده و فرآیند قانون‌گذاری و اجرا بدان تمرکز یافته است. علاوه بر آن گفتمان سازی نخبگان جامعه از طیف‌ها و جریان‌های مختلف سیاسی و اجتماعی و همچنین پرداختن به آن در فضای رسانه‌ای بیش از هر زمانی محل بحث و مجادله می‌باشد. از طرفی فضا سازی برخی مجامع بین‌المللی و رسانه‌های خارجی برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی به بهانه نقض حقوق بشر و محدودیت شهروندان باعث پرداختن به این موضوع گردیده است. نکته مهم تأکید اسلام و انقلاب اسلامی بر خدمت به شهروندان و تلاش برای تأمین حقوق و مطالبات آنان انگیزه پرداختن به موضوع است.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف کلی و آرمانی

- تعیین میزان تأثیر مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی توسعه محور و ارائه راهکار تقویت آن است.

- ارائه چارچوب و فرایندی مطلوب برای تحقق سبک زندگی توسعه محور از طریق افزایش مسئولیت‌پذیری و بهبود سبک زندگی توسعه محور شهروندان مورد نظر می‌باشد.

اهداف جزئی

- در راستای دستیابی به هدف کلی مذکور، اهداف جزئی زیر دنبال خواهد شد:
- شناسایی ماهیت و مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی توسعه محور
- تجزیه و تحلیل میزان و نحوه تأثیرگذاری مسئولیت‌پذیری آن‌ها بر سبک زندگی توسعه محور
- ارائه راهکار مناسب برای تحقق سبک زندگی توسعه محور

سؤال اصلی

مسئولیت‌پذیری شهروندان چه تأثیری در ایجاد سبک زندگی توسعه محور دارد و چگونه می‌توان آن را شناخت؟

سؤالات فرعی

- منظور از مسئولیت‌پذیری شهروندی و سبک زندگی توسعه محور چیست و چگونه می‌توان این مهم را ارتقاء و عمق‌بخشی نمود؟
- مسئولیت‌پذیری شهروندان چه تأثیری در تحقق سبک زندگی توسعه محور دارد و چگونه می‌توان این مهم را سرعت بخشید؟

۲. پیشینه پژوهش

سبحانی نژاد (۱۳۹۳) در تحقیقی تحت عنوان «تحلیل ابعاد شناسانه‌ی مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی» انجام داد نتایج نشان داد که هندسه‌ی معرفتی مسئولیت‌پذیری در چهار بعد اعتقادی، فردی، اجتماعی و زیست‌محیطی قابل تبیین است و عملیاتی ساختن هریک از مسئولیت‌ها، به نحوی در ساختار زندگی به سبک اسلامی مؤثر هستند و حیات طیبه را برای آدمی در مراتب گسترده‌ی آن پدید می‌آورند.

خواجانه‌نوری (۱۳۹۳) در تحقیقی که تحت عنوان «رابطه‌ی سبک زندگی و مسئولیت‌پذیری

فردی و اجتماعی (مطالعه‌ی موردی: نوجوانان دبیرستانی شیراز)» انجام داد. نتایج نشان داد که اگرچه مسئولیت‌پذیری در مدرسه و مسئولیت‌پذیری فردی در میان دختران بیش از پسرها بود، اما مسئولیت‌پذیری اجتماعی پسرها بیش از دختران می‌باشد. بعلاوه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فردی و مسئولیت‌پذیری در مدرسه رابطه‌ی معنی‌داری با ابعاد مختلف سبک زندگی دارد.

عسکری (۱۳۹۴) در پژوهشی به «بررسی رابطه مؤلفه‌های سبک زندگی با سلامت سالمندان در شهر یزد» پرداخت. داده‌های تحقیق از طریق پرسشنامه همراه با مصاحبه در بین سالمندان ۶۰ سال به بالای شهر یزد گردآوری شده است. حجم نمونه ۳۱۳ نفر می‌باشد. نشان می‌دهد بین سبک زندگی و مؤلفه‌های آن همچنین بین شبکه حمایت اجتماعی، پایگاه اجتماعی- اقتصادی، امنیت غذایی، سن، جنسیت و وضعیت تأهل با سلامت عمومی رابطه وجود دارد.

سروش (۱۳۹۰) در «بررسی میان احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی و رفتارهای دگرخواهانه در میان نوجوانان» بیان می‌کند که بیش از نیمی از نوجوانان شیرازی مورد مطالعه حداقل در سطح متوسط احساس مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی داشته و در حد متوسطی نیز واجد اعتماد اجتماعی بوده‌اند.

کاوایانی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی» زمینه‌ای برای کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی فراهم ساخت.

۳. چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

الف) شهروندی

شهروندی از مهم‌ترین ایده‌های اجتماعی است که به‌منظور کمک به شناخت بهتر جامعه و روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها به وجود آمده است. این مفهوم همانند هر مفهوم دیگر، در بستر تاریخی- اجتماعی و درون شبکه‌های مفهومی، محتوا و معنای خود را آشکار می‌کند. این محتوا ثابت نبوده و در طول زمان و با دگرگونی‌های شکل گرفته و بر مبنای نظریه‌های مختلف دستخوش تغییر می‌گردد. مفهوم شهروند و شهروندی در بین پدیده‌های مختلف جامعه‌شناسی از این ویژگی ممتاز برخوردار است که در مکاتب و نظریه‌های فلسفی، سیاسی و حقوقی مورد تفسیر قرار گرفته و ماهیتی تجویزی پیدا کرده است. شهروندی شرافت فرد را به رسمیت می‌شناسد، اما درعین حال، بستر اجتماعی را نیز که فرد در آن عمل می‌کند را

مورد تأکید قرار می‌دهد.^۱

ب) مسئولیت‌پذیری

واژه‌ی مسئولیت‌پذیری در عرف به معنای توانایی پاسخ دادن مؤثر و تصمیم‌گیری‌های مناسب در شرایط و موقعیت‌های مختلف می‌باشد. منظور از تصمیم‌گیری مناسب آن است که فرد در چارچوب هنجارهای اجتماعی و انتظاراتی که معمول از او می‌رود؛ دست به انتخابی بزند که سبب ایجاد روابط انسانی مثبت، افزایش ایمنی، بهبود موقعیت و آسایش خاطر وی و دیگران شود. پاسخ مؤثر پاسخی است فرد را قادر می‌کند تا به هدف‌هایی که باعث تقویت عزت‌نفس وی می‌شوند، دست یابد (مشبکی، ۱۳۸۹).^۱ مسئولیت‌حالتی که طی آن شخص نقش و اثر خود را در عوارض و نتایج يك اقدام، فعالیت یا رفتار می‌پذیرد. شرایط فرد بزرگ‌سالی که قادر است مقررات، آداب، رسوم و معیارهای اخلاقی، اجتماعی، شغلی و... را رعایت کند و در صورت عدم رعایت، عوارض و نتایج نامطلوب آن را نیز بپذیرد می‌باشد. یکی از ویژگی‌های فرد این است که نقش‌های اجتماعی خود را می‌پذیرد و در جهت انجام وظایف خود تلاش می‌کند (ساعتچی، ۱۳۷۷). مسئولیت‌پذیری یعنی الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی که بر عهده او گذاشته شده است.

ج) سبک زندگی

سبک زندگی مجموعه‌ای از انتخاب‌های معمول است که فرد در مورد شیوه‌های مختلف مانند لباس، رژیم غذایی، مسکن، فعالیت‌های اوقات فراغت و موارد دیگر انجام می‌دهد (ویر، ۱۹۷۸). این انتخاب‌های سبک زندگی نشان می‌دهد که افراد چه کسانی هستند و می‌خواهند چه کسانی باشند (Featherstone, 1987). جامعه‌شناس آنتونی گیدنز (۱۹۹۱: ۵) آن را «پروژه بازتابنده از خود»^۲ نامیده است که هنگامی بوجود می‌آید که افراد سعی می‌کنند روایات منسجمی از زندگی خود ایجاد کنند. در تعریف دیگری چنین آمده است: «سبک زندگی به الگوهای مصرف و استفاده (از کالاها و نمادین) مرتبط با گروه‌ها و طبقات مختلف اجتماعی

۱. نیازی، محسن، جامعه‌شناسی شهروندی، ص ۱۴-۱۳

اشاره دارد... سبک زندگی را می توان به عنوان کانون هویت گروهی یا فردی درک کرد، تا جایی که فرد خود را از طریق انتخاب معنادار اقلام یا الگوهای رفتاری، به عنوان رمزهای نمادین، از یکسری امکانات، بیان می کند. بعلاوه، تحلیل سبک زندگی باید نشان دهد تا چه اندازه انتخاب سبک زندگی بیانگر آزادی واقعی و انتخاب خلاقانه است» (ادگار و سجویک، ۱۹۹۹: ۲۱۶).

د) توسعه

واژه توسعه^۱ به معنای خروج لفاف^۲ است که در فرهنگ لغت دهخدا به معنی فراخی و گسترانیدن ترجمه شده است (لغت نامه دهخدا). در سه قرن اخیر تاریخ غرب، سه واژه ترقی، تکامل و توسعه برای توضیح تحول اجتماعی به کار رفته است. اصطلاح توسعه در معنای جدید آن تنها پس از پایان جنگ جهانی دوم شیوع عام یافت؛ اما این اصطلاح بار خوش بینانه واژه ترقی را که بیانگر فکر انسان دوره روشنگری بود و نیز بار اندیشه قوم مداری غربیان را که در کاربرد اجتماعی واژه تکامل مستتر بود، با خود همراه دارد. (خانیک، ۱۳۸۷: ۱) آگوست کنت در برخورد با تحولات اجتماعی ابراز داشت که جامعه در سیر تکاملی خود از سه مرحله عبور می کند که با سیر تکاملی فکری بشر مطابقت دارد. این مراحل عبارتند از مرحله ربانی، مرحله فلسفی و مرحله اثباتی. (نراقی، ۱۳۸۰: ۴۰)

هربرت اسپنسر نظریه ای در رابطه با تغییر را ارائه داد که بر پایه اصول و تکامل ارگانیسم زیستن بود. او معتقد به تکامل تک خطی مداوم و ثابت بود و اظهار می کرد که همه چیز در جهان به طور مداوم مرکب و پیچیده تر می شود. (نراقی، ۱۳۸۰: ۴۰) آمارتیا سن^۳، اقتصاددان هندی نیز توسعه را به مثابه آزادی می بیند. توسعه در دیدگاه او فرآیند گسترش اصلی توسعه در نظر گرفته می شود. هدف توسعه مرتبط با ارزشیابی آزادی های واقعی است که مردم از آن بهره می برند. به عبارت بهتر توسعه و پیشرفت مستلزم تقویت قابلیت های انسانی، مشارکت مردم و آزادی مباحثه عمومی است (سن، ۱۳۸۳: ۷۰). توسعه فرآیندی است که موجب رشد کمی و کیفی در همه ابعاد زندگی بشر و جامعه صورت می گیرد.

1. De- velopment
2. envelope
3. Amartyasen

فورتادو^۱ همچنین در تعریف توسعه‌نیافتگی می‌گوید توسعه‌نیافتگی وضعیتی است که به دلیل عدم هماهنگی بین عوامل اقتصادی و تکنولوژی کاربردی امکان استفاده هم‌زمان از سرمایه و نیروی کار در جامعه مسیر نیست (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۳۰). پس با این تعریف می‌توان گفت که توسعه اقتصادی در کشورهای توسعه‌یافته متکی بر مبانی علمی و فنی نوین بشری است. در حالی که تولید در کشورهای توسعه‌نیافته با اتکای عمده بر مبانی علمی و فنی سنتی صورت می‌گیرد. علاوه بر این، جامعه توسعه‌یافته جامعه‌ای است که اساساً برای تولید به صورت نوین می‌اندیشد و جامعه‌ی توسعه‌نیافته هنوز توان این کار را پیدا نکرده است (عظیمی، ۱۳۸۳: ۱۷۵-۱۱۵).

یورگن هابرماس^۲ معتقد است شهروند به فردی اطلاق می‌شود که از حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی برخوردار باشد. شهروندسازی مستلزم حق تعیین سرنوشت توسط افراد جامعه است. چنانچه افراد جامعه حقی در تعیین سرنوشت و آینده خود نداشته باشند؛ شهروند محسوب نمی‌شوند. فرهنگ سیاسی حاکم بر جامعه شهروندی از نوع «فرهنگ مشارکتی» است. (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۵)

دارندورف^۳ از نظریه‌پردازان انتقادی معتقد است که شهروندی را با مدرنیته پیوندی نزدیک است و نقش شهروندی را مجموعه حقوق برابر برای کسانی که آن را دارا هستند؛ می‌داند. برابری و ماهیت حقوقی پایگاه و شهروندی دو چیز متفاوت است. شهروندی حق دفاع از یکپارچگی فردی است و فرصتی برای مشارکت در زندگی اجتماعی است.

مارکس^۴ و شهروندی: مارکس با زیربنا قرار دادن اقتصاد و تأثیر آن بر نقش‌های اقتصادی افراد، جامعه را با دو طبقه حاکم و زیردست مشخص می‌کند و عرصه جامعه را عرصه‌ی مبارزه همیشگی این دو طبقه دانسته و عنوان می‌کند طبقات اجتماعی بازیگران واقعی در فرآیند تاریخ بوده و تحولات صرفاً جنبه‌ای از این فرآیند به شمار می‌آید. لذا باید با آموزش شهروندان و آگاه کردن آنان از حقوقشان در جهت ایجاد جامعه‌ای بدون طبقه گام برداشت. (شیانی، ۱۳۸۱)

1. Furtado
2. Jurgen Habermas
3. danndorf
4. Karl Heinrich Marx

سروتو^۱ (۱۹۸۹) مسئولیت‌پذیری را یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه فعالیت‌هایی که بر عهده او گذاشته شده است تعریف می‌کند و معتقد است که مسئولیت‌پذیری از درون فرد سرچشمه می‌گیرد (شمشیری، ۱۳۸۸).

آنتونی گیدنز^۲ در شمار مهم‌ترین جامعه‌شناسانی است که به سبک زندگی پرداخته است و آن را مجموعه‌ای اغلب هماهنگ از همه‌ی رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره می‌داند که مستلزم گروهی از عادت‌ها، جهت‌گیری‌ها و بنابراین واجد نوعی وحدت و انسجام است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۲۱). آنتونی گیدنز نظریه شهروندی خود را با ترکیب عناصر فردی و ساختاری مطرح نموده و معتقد است که باید بین مسئولیت‌های افراد و کنشگران اجتماعی و حوزه‌های مختلف در جامعه یعنی دولت، صنعت، سازمان‌های سیاسی و نهادهای جامعه مدنی تعادل برقرار کرد. با جمع‌بندی نظریه‌های شهروندی مدرن چهار هسته مشترک را برای گفتمان شهروندی مدرن می‌توان شناسایی کرد: (روشنفکر، کلانتری و مداح، ۱۳۹۱: ۱۲).

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف تحقیق؛ کاربردی است. این نوع پژوهش به منظور بهبود رفتارها، روش‌ها، ابزارها، وسایل، تولیدات، ساختارها و الگوهای مورد استفاده جوامع انسانی انجام می‌گیرد. این پژوهش از نتایج تحقیقات بنیادی کمک می‌گیرد و هدف آن توسعه دانش کاربردی (کاربرد علمی دانش) در یک زمینه خاص است. بنیاد روش شناختی تحقیق حاضر بر (روش کتابخانه‌ای) و «روش میدانی - پرسشنامه» بنا شده است. در تحقیق حاضر هم تلاش می‌گردد تا یک مسئله پژوهشی (تأثیر آگاهی مسئولیت‌پذیری شهروندی بر سبک زندگی توسعه محور) واقعی که وجود دارد، طی یک فرایند پژوهشی (توصیفی) پاسخ داده شود. روش تحقیق بر حسب هدف کاربردی، از نظر ماهیت توصیفی و از نوع همبستگی است.

جامعه آماری این پژوهش شهروندان تهرانی، منطقه ۱۸، ناحیه ۵ می‌باشد که بر اساس آمار رسمی ناحیه شهرداری جمعیت ۲۵/۰۰۰ نفر و تعداد خانوار ۸۳۰۰ خانوار می‌باشد و برای تعیین حجم نمونه از جدول برآورد حجم نمونه مورگان و یا فرمولهای مختص تعیین حجم

1. Seroto

2. Anthony Giddens

نمونه استفاده می‌کنیم و حجم نمونه را تعداد ۱۱۵ خانوار انتخاب شد. برای نمونه‌گیری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده است. این روش در صورتی که فهرست کامل افراد جامعه مورد مطالعه در دسترس نباشد می‌توان افراد جامعه را در دسته‌هایی خوشه‌بندی کرد سپس از میان خوشه‌ها نمونه‌گیری به عمل آورد. در بین ۱۱۵ نفر پرسشنامه توزیع گردید که از این تعداد ۱۱۰ نفر پرسشنامه را تکمیل شده عودت دادند که ۵ نفر به دلایل مختلف از جمله تاخیر بیش از حد جواب ندادند و در نهایت ۱۱۰ پرسشنامه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. همانطور که ذکر شد؛ در این پژوهش برای جمع‌آوری عمده‌ای از اطلاعات مربوط به ادبیات نظری و مبانی نظری، تدوین فرضیه‌ها و ارائه الگوی اولیه موضوع از روش کتابخانه‌ای (مطالعه کتابهای مرتبط، مقالات، مجلات، بانک‌های اطلاعاتی و اینترنت) استفاده شده است. که با مطالعه موضوعات مربوطه مختلف پژوهش بیشتر شناخته شده و در رسیدن به هدف‌های پژوهش بسیار مثمر‌تر می‌باشد. با این حال ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش بنا به متغیر مستقل (تلفن همراه) و متغیرهای وابسته (آداب و رسوم خانواده، عدم وفاق خانواده و هویت و...) به صورت گویه‌های عملیاتی شده‌اند، و در نهایت در ساخت پرسشنامه و سنجش برخی از متغیرها از طیف لیکرت به کار گرفته شده است. که منبع اصلی جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه می‌باشد. در این پژوهش متغیرها در دو دیدگاه (عینی و ذهنی) با پرسشنامه اندازه‌گیری شده است. این گویه‌ها در ابعاد سه‌گانه (مسئولیت‌پذیری، سبک زندگی و توسعه) که هرکدام در ۲۰ گویه به صورت میدانی پایش و عملیاتی گردید. گویه‌ها از مقیاس ۵ درجه‌ای، از خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد درجه‌بندی گردید. جهت سنجش سبک زندگی توسعه‌محور در ۴ بُعد، آگاهی شهروندی، مسئولیت‌پذیری، سبک زندگی و توسعه استخراج و مورد تحلیل قرار گرفتند. برای بررسی و شناخت شاخص‌های مهم در هر مؤلفه‌های سبک زندگی توسعه‌محور، از مدل تحلیلی عاملی برای اعتبار سازه و خلاصه‌سازی متغیرها و ایجاد یک ساختار جدید بهره گرفته شده است؛ که با رویکرد تأییدی بررسی و استفاده گردیده است. تحلیل عاملی توسط نرم‌افزار SPSS انجام شده است. لازم به ذکر است در این پژوهش، جهت تعیین کفایت نمونه‌گیری از آزمون بارتلتو KMO و برای چرخش عامل‌ها از روش واریماکس بهره گرفته شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش متغیرها در دو دیدگاه (عینی و ذهنی) با پرسشنامه اندازه‌گیری شده است. بیشترین میانگین سنی پاسخگویان در منطقه ۵ با فراوانی (۳۹/۵۵) و کمترین آن مربوط به منطقه ۱۸ با فراوانی (۳۵/۰۵) به دست آمده است. بیشترین تحصیلات در منطقه ۵ با فراوانی (۳/۳۶) بین فوق‌دیپلم تا لیسانس و کمترین آن در منطقه ۱۸ با (۲/۸۷) بین دیپلم تا فوق‌دیپلم استخراج شده است. متأهلین در منطقه ۵ با فراوانی (۷۴/۹) درصد بیشترین و منطقه ۱۲ با فراوانی (۶۴/۵) درصد کمترین را به خود اختصاص داده که در منطقه دو با فراوانی (۱۳/۱۲) و منطقه ۱۸ با فراوانی (۱۰/۰۴) سال از سپری شدن زندگی مشترک متأهلین می‌گذرد. از نظر تعداد فرزندان منطقه ۵ با فراوانی (۱/۴۶) بیشترین تعداد فرزند و منطقه ۱۸ با فراوانی (۱/۱۸) کمترین تعداد فرزندان را به خود اختصاص داده است.

درآمد پاسخگویان بیشترین در منطقه ۵ با فراوانی (۳/۷۰) و کمترین با فراوانی (۲/۳۳) درصد در منطقه ۱۸ قرار دارد. در بعد متراژ مسکن با فراوانی (۹۶/۷۰) مربوط به منطقه ۲ و کمترین آن مربوط به منطقه ۱۸ با فراوانی (۸۶/۷۹) می‌باشد. در تحصیلات همسر بیشترین مربوط به منطقه ۵ با فراوانی (۲/۴۸) که بین دیپلم و فوق‌دیپلم قرار دارد و کمترین در منطقه ۱۸ با فراوانی (۱/۸۵) یعنی بین سیکل و دیپلم می‌باشد. در بعد درآمد همسر منطقه ۱۸ با کمترین فراوانی یعنی (۱/۳۸) که در بازه تا دو میلیون تومان می‌باشد و منطقه ۵ با بیشترین فراوانی یعنی (۲/۴۵) که در بازه دو تا سه میلیون تومان تعریف شده را به خود اختصاص داده است. نمره کمی اختصاص داده شده به هر منطقه از مجموع نمرات میانگین به دست آمده به غیر از سن لحاظ شده است.

با توجه به تجزیه و تحلیل آماری، مقدار میانگین برای متغیر مسئولیت‌پذیری برابر با ۳/۷۷ است، به این معنی که متوسط نمرات نمونه در این شاخص در دسته سوم (متوسط به بالا) قرار گرفته است. بر اساس این اطلاعات، قرار گرفتن در دسته سوم نمرات مسئولیت‌پذیری به معنی اهمیت این مسئله در بین شهروندان است. به عبارت دقیق‌تر، اکثر شهروندان در شهر تهران مسئولیت‌پذیری به سمت بالایی دارند.

مقدار میانگین برای متغیر سبک زندگی برابر با ۳/۶۳ است، به این معنی که متوسط نمرات نمونه در این شاخص در دسته سوم (متوسط به بالا) قرار گرفته است. بر اساس این اطلاعات،

قرار گرفتن در دسته سوم نمرات سبک زندگی به معنی اهمیت این مسئله در بین شهروندان است. به عبارت دقیق‌تر، اکثر شهروندان در شهر تهران سبک زندگی بالایی برخوردارند. مقدار میانگین برای متغیر توسعه برابر با ۳/۴۲ است، به این معنی که متوسط نمرات نمونه در این شاخص در دسته سوم (متوسط به بالا) قرار گرفته است. یعنی بیشترین فراوانی در پاسخ‌دهندگان در بعد توسعه متوسط به بالا می‌باشد که حدوداً برابر با میانگین است. به عبارت دقیق‌تر، اکثر شهروندان در شهر تهران نسبت به توسعه امتیاز بالایی داده‌اند.

در شهرهای توسعه یافته این آموزش‌ها از سنین پایین و از مهدهای کودک و مدارس شروع می‌شود و علاوه بر مدارس و سازمان‌های آموزشی، رسانه‌های ارتباط جمعی هم نقش مهمی در ارائه این آموزش‌ها دارند. در کلان‌شهرهایی مانند تهران وجود مشکلات متعدد و حل آن‌ها نیاز به آموزش‌های شهروندی در زمینه‌های گوناگون را پررنگ‌تر کرده است. کاهش کیفیت محیط‌زیست شهری، افزایش آلودگی صوتی، آلودگی بصری، کمبود منابع، رشد آسیب‌های اجتماعی، نابسامانی سیستم‌های دفع فاضلاب و زباله، توسعه غیررسمی کلان‌شهرها، کاهش کیفیت زیست و رفاه شهری، مسائل سکونتی و ناهنجاری‌های رفتاری در شهرها، ضرورت ایجاد و گسترش پایگاه‌های آموزش شهروندی در سطح شهر را تشدید کرده است؛ در چنین شرایطی فقدان آموزش فرهنگ زندگی شهری کاملاً مشهود بوده و ناآگاهی از فرهنگ شهرنشینی و قواعد رفتاری زندگی شهری، هزینه‌های زیادی را به اداره‌کنندگان شهر، محیط شهری و ساکنان شهرها تحمیل کرده است.

کلان‌شهرها با افزایش مداوم جمعیت ثابت و جمعیت سیار و افزایش خرده‌فرهنگ‌ها و قومیت‌های متعدد روبرو هستند و به موازات آن با نیازهای اجتماعی وابسته به آن مواجه‌اند که با گسترش و افزایش این وضعیت، نیازها به مراتب بیشتر شده و وظایف سازمان‌های مربوطه نیز سنگین‌تر می‌شود. در نتیجه نیاز به آموزش شهروندی بیشتر از قبل احساس می‌شود. با بررسی این گزینه‌ها و با بهره‌گیری از نظریه کارل مارکس که معتقد است آموزش شهروندی در جامعه برای افزایش آگاهی شهروندان لازم و ضروری است و همین‌طور افرادی که به حقوق خودشان آشنا نیستند را با آموزش شهروندی باید آن‌ها را به حقوقشان آگاه کرد، بنابراین برای افزایش آگاهی شهروندان نیاز به آموزش شهروندی است که این مطلب می‌تواند به‌عنوان نکته مهم تلقی شود.

منظور از مسئولیت‌پذیری یک تعهد و الزام درونی است و بر اساس آن فعالیت‌هایی که شهروندان بر عهده می‌گیرند، انجام می‌دهند و رفتار افراد از دیدگاه‌های آنان سرچشمه می‌گیرد، امروزه بسیاری از مسائلی که باعث عدم توسعه‌نیافتگی جامعه می‌شود را می‌توان فقدان آگاهی شهروندان که منجر به عدم مسئولیت‌پذیری آنان می‌گردد، دانست.

بنا بر اظهار پاسخگویان و مدد از نظریه البرت الیس، برای ساختن شهروندان مسئولیت‌پذیر باید تفکر و دیدگاه مثبت در آن‌ها ایجاد کرد که اگر این دیدگاه و تفکر در فرد به طور مثبت نهادینه گردد، شهروند با مسئولیتی که در خود نهادینه کرده است، به سمت توسعه‌یافتگی هدایت می‌شود. از مجموع فراوانی پاسخگویان و با متکی به نظریات مختلف می‌توان مسئولیت‌پذیری را به‌عنوان یک مؤلفه اساسی و مهم در سبک زندگی توسعه محوری دانست. تحقق توسعه محوری مستلزم پایبندی عمومی به اصول توسعه و پیشرفت و مداخله مسئولانه شهروندان در اجتماع و محیط‌زیست است. توسعه مشارکت و مسئولیت‌پذیری (مسئولیت اجتماعی) به‌عنوان ابعاد توسعه تلقی می‌شود. این مسئولیت‌پذیری در منشور شهروندی جایگاه ویژه‌ای دارد و این مهم محقق نمی‌شود، مگر اینکه شهروندان را نسبت به مسئولیت و مشارکت آگاه کنیم و دانش شهروندی آنان را در این بعد تقویت نماییم.

سبک زندگی هر جامعه‌ای منطبق بر فرهنگ و الگوی خود تعریف می‌شود و نمی‌توان یک الگوی توسعه در جامعه‌ای را در جامعه دیگر پیاده نمود و به‌عبارتی دیگر یک نسخه واحد برای جوامع پیچیده و این ظرافت خاصی دارد که در بحث سبک زندگی جوامع باید به آن توجه خاصی نمود. مصرف‌گرایی به معنای برداشت بیش از اندازه هر فرد از منابع نادر و کمیاب است، لاجرم این موضوع باعث فشارهای متعددی بر جامعه خواهد داشت. مصرف‌گرایی، سدی در مقابله توسعه است، زیرا مانع از سرمایه‌گذاری جهت طرح و اجرای زیرساخت‌های توسعه می‌شود. هراندازه که در درون جامعه تبلیغات ناسالم در سطح بالا و سطح فرهنگ عمومی در حد پایین باشد به همان اندازه نیز امکان پذیرش روحیه راحت‌طلبی و تجمل‌پرستی بیشتر است. انسان‌هایی که کمتر اعتمادبه‌نفس داشته و کمتر در مورد نقششان در درون جامعه تفکر می‌کنند، سهل‌تر پذیرای روحیه مصرف‌گرایی در جامعه هستند.

اگر بتوانیم آگاهی و سطح فرهنگ عام را افزایش دهیم قادر خواهیم بود بهره‌وری تولید را افزایش داده و هم از مصرف‌گرایی جلوگیری کرده و لاجرم از اتلاف منابع ممانعت به عمل آورده

و همین امر، منابع را به حد وفور برای گسترش ظرفیت‌های تولیدی در اختیار خواهد گذاشت. مصرف‌گرایی در کشورهای در حال توسعه به شکل قابل توجهی تبدیل به آسیب اجتماعی جدی شده است که مستلزم شناخت علمی و سپس درمان اساسی، یا به عبارت دیگر برنامه‌ریزی است. مصرف‌گرایی پدیده‌ای جهانی است و چاره آن باید در دو بعد داخلی و بین‌المللی (خرد و کلان) صورت گیرد. مصرف‌گرایی در هر جامعه را باید در یک محیط وسیع‌تر اجتماعی در نظر گرفت زیرا امروزه تولید و سیستم توزیع جهانی متصل است.

- منظور از مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی توسعه محور چیست و چگونه می‌توان این مهم را ارتقاء و عمق‌بخشی نمود؟

آموزش و مهارت‌های شهروندی از ارکان زندگی شهروندی و اجتماعی عصر حاضر است و در جوامع توسعه‌یافته و صنعتی از طریق برنامه‌ریزی‌های متنوع به آموزش مهارت‌های مختلف شهروندی می‌پردازند، این مؤلفه در جهت استحکام و انسجام شهروندان نقش بارزی دارد. این مهم دربرگیرنده یادگیری دانش، مهارت‌ها و ارزش‌هایی است که با ماهیت شهروندی همخوانی دارد. ارائه یک الگوی مناسب برای آموزش شهروندان در جامعه اطلاعاتی امروزی، یکی از برنامه‌های مهم شهروندی محسوب می‌شود. شهروندان فارغ از جنسیت و تحصیلات در هر موقعیت اجتماعی نیازمند آموزش‌هایی جهت ارتقاء مهارت‌های خود به‌عنوان شهروند می‌باشند. چراکه در نهایت اثرات منفی ناآگاهی شهروندی و ضررهای آن مستقیماً به خود شهروندان برمی‌گردد. از این‌رو آموزش شهروندان و فراگیری مهارت یکی از نیازهای ضروری شهروندی است که با فراهم آوردن فرصت‌های برابر، عادلانه و امن اطلاعاتی برای همه شهروندان توأم با رعایت حق شهروندی بیش‌ازپیش احساس می‌شود. در ادامه مسئولیت‌پذیری با آگاهی رابطه مستقیم دارد، مسئولیت‌پذیری الزام درونی است و سبک زندگی الگو و رفتار درونی و نهادینه شده در فرد است، با آموزش‌های لازم و افزایش مهارت‌ها، شهروندان را مسئولیت‌پذیر نموده و با این مسئولیت‌پذیری که درونی شده است، به سمت الگو و رفتار نهادینه‌شده در فرد منجر به سبک زندگی‌ای می‌شود که در فرد به صورت یک عادت درآمده است و با این سبک زندگی که همراه با آگاهی و مسئولیت‌پذیری می‌باشد، می‌تواند به توسعه محوری انجامید.

- مسئولیت‌پذیری شهروندان چه تأثیری در تحقق سبک زندگی توسعه محور دارد و چگونه می‌توان این مهم را سرعت بخشید؟

مسئولیت‌پذیری یک تعهد و الزام درونی است و بر اساس آن فعالیت‌هایی که شهروندان بر عهده می‌گیرند، انجام می‌دهند و رفتار افراد از دیدگاه‌های آنان سرچشمه می‌گیرد، امروزه بسیاری از مسائلی که باعث عدم توسعه‌نیافتگی جامعه می‌شود را می‌توان فقدان آگاهی شهروندان که منجر به عدم مسئولیت‌پذیری آنان می‌گردد، دانست. بنا بر اظهار پاسخگویان و مدد از نظریه البرت الیس، برای ساختن شهروندان مسئولیت‌پذیر باید تفکر و دیدگاه مثبت در آن‌ها ایجاد کرد که اگر این دیدگاه و تفکر در فرد به‌طور مثبت نهادینه گردد، شهروندی با مسئولیت خواهیم داشت. این مسئولیت‌پذیری در منشور شهروندی جایگاه ویژه‌ای دارد و این مهم محقق نمی‌شود، مگر اینکه شهروندان را نسبت به مسئولیت و مشارکت آگاه کنیم و دانش شهروندی آنان را در این بعد تقویت نماییم.

دانش و کسب مهارت و آگاهی شهروندان در زمینه‌های مختلف، منجر به مسئولیت‌پذیری شهروندان در ابعاد مختلف می‌شود، همین مسئولیت‌پذیری شهروندان در ادامه به آن‌ها الگو و رفتاری را ارائه خواهد کرد که اگر آگاهی لازم صورت گیرد، می‌تواند منجر به سبک زندگی در راستای توسعه محوری قرار گیرد. بنابراین با افزایش دانش تغییر عقاید، ارزش‌ها، مهارت‌ها و سلیقه‌ها و در کل تغییر سبک زندگی شهروندان نقش صورت می‌گیرد و با آگاهی بخشی نه تنها فرد مسئولیت‌پذیر می‌گردد، بلکه در ابعاد مختلفی مانند: اوقات فراغت، نوع پوشش و آرایش، نحوه و نوع غذا خوردن، نوع روابط با خانواده و اجتماع مخاطبان هم تأثیر می‌گذارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

دانش شهروندی به معنای آشنایی و التزام آحاد مردم با قوانین و مقررات و الزامات اجتماعی شدن است و بیش از گذشته نیازمند آموزش، یادگیری و نظارت در میدان عمل می‌باشد. سبک زندگی به معنای مدل و الگوی زیست فردی و اجتماعی و در مجموع به معنای افزایش جامعه‌پذیری در میان شهروندان است. افزایش دانش شهروندی و بهبود سبک زندگی بیش از هر عامل دیگر بر میزان مسئولیت‌پذیری شهروندان مستقیم می‌گذارد. به هر میزان که مسئولیت‌پذیری شهروندان افزایش یابد به همان میزان در اصلاح و بهبود سبک زندگی شهروندان مؤثر خواهد بود. در این

صورت سبک زندگی توسعه محور به الگوی غالب در زیست فردی و اجتماعی تبدیل خواهد شد و در نتیجه جامعه و حاکمیت را به قله‌های پیشرفت، توسعه و الهام بخشی بیش از پیش سوق می‌دهد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین مسئولیت‌پذیری و سبک زندگی توسعه محور، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. افراد دارای آگاهی شهروندی، اطمینان دارند مسئولیت‌پذیرتر هستند و افراد با احساس مسئولیت قادر به انجام کارها با کفایت لازم هستند. هرچه قدر افراد دارای آگاهی شهروندی می‌شوند این احساس مسئولیت در آنان تقویت شده و مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند. هرچه قدر شهروندان با قوانین و مقررات آشنا می‌شوند به همان اندازه حدود اختیارات خود و دیگران را هم می‌شناسند و شهروندان با همین شناخت سبک زندگی که توسعه محور باشد را انتخاب و بر اساس مدل و الگوهای توسعه حرکت می‌کنند. به هر میزان که شناخت و آگاهی فردی و اجتماعی در افراد بیشتر می‌شود به همان میزان افراد مسئولیت‌پذیرتر می‌شوند و این شناخت و آگاهی اگر در فرد نهادینه شود، مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی در افراد هم به همان میزان نهادینه می‌شود. بین آگاهی و شناخت افراد و سبک زندگی توسعه محور رابطه مثبت و معناداری برقرار می‌باشد، هر اندازه که شهروندان دارای آگاهی و شناخت می‌شوند به همان اندازه نیز سبک زندگی افراد به سمت توسعه محور بودن حرکت می‌کند و شهروندان به مشارکت در جامعه جهت نیل به توسعه قدم برمی‌دارند.

سبک زندگی توسعه محور نیازمند آموزش، تبلیغ، قانون‌گذاری، سیاست‌گذاری، نظارت و اجرای هدفمند و کارآمد است و مردم و حاکمیت به صورت داوطلبانه باید نسبت به تحقق آن همراهی و اقدام عاجل به عمل آورند. بدین خاطر نظام سیاست‌گذاری، نظام آموزشی، نظام اجرایی، نظام تبلیغی، نظام نظارتی، نظام رسانه‌ای و نظام قضایی باید پایه‌پای یکدیگر اهتمام لازم را داشته باشند. تغییر و اصلاح و بهبود سبک زندگی به سمت توسعه محوری و پیشرفت امری داوطلبانه است و افراد باید اقناع بشوند و بدان مبادرت ورزند. تبعیت از قوانین و مقررات و اهتمام به شاخصه‌های فرهنگ و تمدن بومی برای رسیدن به چشم‌انداز روشنی مانند تمدن اسلامی ایرانی پیش‌نیاز تحقق سبک زندگی توسعه محور است.

سبک زندگی بر افزایش مسئولیت‌پذیری شهروندان تأثیر گذاشته و سبک زندگی توسعه محور را به الگوی غالب در زیست فردی و اجتماعی تبدیل نماید و در نتیجه جامعه و حاکمیت را به

قله‌های پیشرفت، توسعه و الهام بخشی بیش از پیش سوق می‌دهد.

در نهایت همه این امور در هموار ساختن فرایند پیشرفت اسلامی ایرانی نقش اساسی ایفا کرده و پیش نیاز پیشرفت همه جانبه خواهد گشت. منطق مدعا این است که هرگونه پیشرفت با عزم ملی، همراهی و مشارکت شهروندان مسئولیت‌پذیر تحقق خواهد یافت و نمی‌توان بدون حضور و مشارکت مردم از یکسو و مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌پذیری آحاد شهروندان به قله‌های پیشرفت نزدیک شد. پیشرفت امری دستوری نیست و باید با اراده آگاهانه و اقدام فداکارانه مردم لباس واقعیت ببوشد. و با توجه به نتایج به دست آمد از بررسی یافته‌ها، می‌توان گفت فرضیه مطرح شده مورد تأیید قرار می‌گیرد.

برای پیش‌بینی سبک زندگی توسعه محور (در ابعاد مختلف) بر اساس مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری از تحلیل رگرسیون به شیوه هم‌زمان استفاده شد، نتایج نشان داد که مدل پیش‌بینی $F=1/131$ در سطح $P < 0/001$ معنادار است و درکل مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری با هم می‌تواند ۵۴ درصد تغییرات مربوط به سبک زندگی توسعه محور را پیش‌بینی کند.

منابع

۱. احمدی، ابوالفضل (۱۳۹۳). سبک زندگی اسلامی، انتشارات امیرکبیر، تهران.
۲. احمدی، محمد (۱۳۸۳). تأثیر طبقه اجتماعی در میزان آگاهی از حقوق شهروندی، مطالعه موردی بوشهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
۳. آراسته، حمید و نظافتی پایانی (۱۳۸۹). «بررسی میزان آگاهی دانشجویان از حقوق شهروندی با تأکید بر نقش برنامه درسی»، مطالعات برنامه درسی، سال چهارم، ش ۱۵، صص ۵۳-۶۷.
۴. ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۹۷). جامعه‌شناسی توسعه. انتشارات کیهان.
۵. بی، اریل (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها، چاپ پنجم تابستان.
۶. پورعزت، علی؛ قلی‌پور، آرزو (۱۳۸۹). «رابطه آگاهی شهروندان از حقوق شهروندی با پاسخ‌گویی و شفافیت سازمان»، رفاه اجتماعی، ش ۳۸، صص ۵-۴۰. شهر اصفهان در سال ۱۳۸۴، فصلنامه دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال اول، ش ۱، صص ۸۵-۱۰۶.
۷. ریشه، گی (۱۳۷۲). تغییرات اجتماعی و توسعه. ترجمه منصور وثوقی تهران، نشر نی.
۸. سریع‌القلم، محمود (۱۳۷۶). عقل و توسعه‌یافتگی، انتشارات سفیر.
۹. سن، آمارتیا (۱۳۸۳). توسعه به مثابه آزادی. ترجمه وحید محمودی، انتشارات دستان.
۱۰. شیانی، معصومه (۱۳۸۲). وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران، پایان‌نامه دوره دکتری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی. انتشارات لویه.
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. ترجمه محسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۸۶.
۱۴. نراقی، یوسف (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر فروزان روز.
15. Bourdieu, P. (1977) Outline of a Theory of Practice, Cambridge: Cambridge University Press.
16. Chaney, D. (1996) Lifestyles, London and New York: Routledge.

17. Edgar, A and Sedgwick, P. (1999) Key Concepts in Cultural Theory, London and New York: Routledge.
18. Ernst & Young. (2011). Innovating for the Next Three Billion. Ernst & Young.
19. Featherstone, M. (1991). Consumer Culture & Postmodernism. London: Sage Publication.
20. Giddens, Anthony Modernity and Self-Identity, 1991. Polity Press, Cambridge.
21. OECD. (2002). Towards Sustainable Household consumption? Trends and Policies in OECD Countries. Paris: OECD. Retrieved from <http://doi.org/10.1787/9789264175068-en>.
22. World Commission on Environment and Development (1987). Our common future. Oxford University Press, Oxford, p. 27. [Google Scholar]